



فریتس پاپنهایم

ترجمه‌ی
مجید مددی

از خود بیگانگی انسان مدرن



فهرست

۹	یادداشت مترجم بر چاپ جدید
۱۱	پیش‌گفتار مترجم
۲۷	مقدمه
	فصل یکم
۳۵	حالت روحی عصر ما: آگاهی از بیگانگی انسان
	فصل دوم
۵۳	بیگانگی و تکنولوژی
	فصل سوم
۶۱	سیاست و بیگانگی
	فصل چهارم
۷۷	ساختار اجتماعی و بیگانگی
	فصل پنجم
۱۱۹	نگاهی به گذشته و چشم‌انداز آینده
۱۴۹	یادداشت‌ها
	پی‌گفتار
۱۶۷	مفاهیم ایده‌تولوژی در آثار مارکس
۱۸۷	کتاب‌شناسی
۱۸۹	کتاب‌نامه
۲۱۱	نمایه

یادداشت مترجم بر چاپ جدید



شاید جز اظهار تشکری از ناشر، نیازی به نوشتن مقدمه‌ای بر این کتاب که هم دارای مقدمه مفصلی است و هم مؤخره همانند، نباشد. زیرا در این دو نوشته مترجم آنچه لازم به بیان بوده بیان شده و می‌توان مدعی شد که این کتاب کوچک خودکفا است. اما: در زمینه مسائل و موضوعات اجتماعی که چاشنی فلسفی هم دارند؛ می‌توان به نکات دیگری نیز اشاره کرد. از جمله شرایط و نحوه زندگی انسان امروز در جامعه مدرن. تردیدی نیست که انسان تلاشگری که پدیدآورنده جامعه انسانی است، می‌کوشد زندگی را چنان فهم کند که جامعه ساخته او تداوم بخش بقا و رضایت‌اش از مواهب مادی موجود در آن باشد. او سازنده است و فرمان‌روا و نه ساخته نیرویی فراتر از خود و فرمان‌بر. اما، جامعه‌ای که وی امروزه در آن می‌زید شرایط دیگری را رقم زده است: انسان را

ناتوان، اسیر و فرمان‌بر ساخته، نیروی خلاق وی را در هم شکسته و تبدیل به موجودی بیگانه از خود کرده است و او باید چشم به راه نجات‌دهنده‌ای بنشیند که از راه رحم و شفقت گوشه‌چشمی بر او دوزد و از تباهی و نابودی نجاتش دهد. وضعیتی که به تصویر کشیده شد، نتیجه نظام اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی در جهان امروز است که بردگی انسان را سبب شده است، بردگی، ناتوانی و سستی انسان سازنده‌ای که به قول اریک فروم خود را «مرکز جهان خویش حس نکند و خالق ادراک‌های خویش نباشد.» بنابراین مواجهه با چنین موجودی، «انسانی» که به قول مارکس، «از انسانیت انسانی‌اش جدا و با خود بیگانه شده است»، برده حقیقی است که ستم می‌برد، خاضع و خاشع می‌شود و آن‌جا که امکانی فراهم شود، ارباب و آقا شده و ستم می‌کند و چرخ را در جهت منافع خود به گردش درمی‌آورد. و خواننده با خواندن و تعمق در این کتاب متوجه روند بیگانگی انسان در جامعه سرمایه‌داری امروز شده و با درک و فهم مناسبات موجود می‌تواند راهی برای رهایی از این نکبت یافته و آن را فرا راه انسان دردکشیده امروز قرار دهد.

پیش‌گفتار مترجم

برگردان این کتاب را که سال‌ها پیش آغاز کردم، اکنون به پایان برده و آن را به دست خواننده می‌سپارم. دلیل این امر صرفاً تنبلی و اهمال، یا بهانه کار زیاد و مشغله نیست. من با آن‌که با اشتیاق فراوان کتاب را خواندم و تصمیم به ترجمه آن گرفتم و کار را نیز آغاز کردم؛ به طوری که فصلی از آن، بیش از یک دهه پیش در نشریه فرهنگ به چاپ رسید، با این‌همه، تمایل چندانی به انتشار آن به صورت کتابی مستقل نداشتم. علت آن نیز، بی‌پرده بگویم، مضمون و محتوای اثر بود که درباره‌اش چه بسیار مطلب که از سوی اشخاص مختلف با گرایش‌های متفاوت فکری نوشته نشده و در دست خواننده مشتاق قرار نگرفته بود. من نمی‌خواستم یکی بر این‌همه بیفزایم به‌ویژه با خوانش جدیدم از مارکسیسم و مباحث پیرامونی، نظریه از خودبیگانگی را که به قول اندیشمند